



۱۴

زندگی با روماتیسم تلخ نمی‌شود



۱۵

این روش هاقدیمی شده

با حذف ۱۲ شیوه مدیریتی منسوخ‌شده، کسب وکار تان را مطابق نیازهای روز هدایت کنید



زندگی

شنبه ۹ آذر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۳۷



۱۶

جولان دود در ریه های پارسه

۱۳ جام جم

درباره مقام حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)

مردی اهل ری به خدمت حضرت علی بن محمد النقی امام هادی(ع) رفت. حضرت پرسید: کجا بودی؟ او گفت: به زیارت امام حسین(ع) رفته بودم. امام فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می‌کردی مانند کسی بودی که امام حسین(ع) را زیارت کرده باشد.

اما باید توجه داشت که آن ثواب‌ها که برای زیارت عبدالعظیم ذکر شده در مقایسه با زیارت ائمه(ع) نیست، زیرا هیچ‌کسی با آنان قابل مقایسه نیست. آن قدر که امیرمومنان(ع) فرموده است: هیچ کس از این امت را با آل محمد نمی‌توان مقایسه کرد؛ آنان که ریزه‌خوار خوان نعمت آل محمدند با آنها برابری نمی‌توانند. اما در مورد دلیل این‌که چرا ثواب زیارت عبدالعظیم حسنی(ع) به مثابه زیارت سیدالشهدا(ع) در کربلا عنوان شده است، باید گفت که حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) حلقه وصل شیعیان در شهرهای مختلف بودند. حضرت عبدالعظیم بین شیعیان که در جای جای خطه اسلامی نمی‌توانستند با هم ارتباط داشته باشند، حلقه اتصال بود. چون ائمه(ع) ایشان را قبول داشتند و ممکن است این ثواب ناظر به همین مجاهدت‌هایی باشد که در راه ارتباط بین شیعیان و رساندن پیام ائمه(ع) باشد که از ایشان می‌توان به عنوان سفیر سیار ائمه(ع) یاد کرد. ممکن است در مورد سیار امامزادگان بزرگوار نیز روایاتی بوده که به ما نرسیده است؛ اما روایت ثواب زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به ما رسیده است.

برخی شیعیان نزد امام هادی(ع) رفته



و گفتند ما از زیارت کربلا آمدمیم(در آن زمان که حاکمیت بنی‌عباس بود این سفر و زیارت بسیار برای شیعیان مشقت داشت) و حضرت پاسخ داد که شما در ری عبدالعظیم را زیارت کنید، مثل این است که امام حسین(ع) را زیارت کرده‌اید.

ضمن این‌که ممکن است شرایط خاص زمانی و مکانی سبب شده باشد که آن همه فضیلت برای زیارت حضرت عبدالعظیم(ع) ذکر شده باشد و جایی برای گردهمایی شیعیان باشد.

مثلا متوکل عباسی و برخی دیگر از حکام، پس از تخریب بارگاه امام حسین(ع) برای جلوگیری از زیارت آن بزرگوار، مأموران جلادی را به مراقبت و نگهبانی گذاشته بودند که به صغیر و کبیر رحم نمی‌کردند و جان افراد در خطر قرار می‌گرفت و حتی زائران زیادی را بی‌رحمانه به خاک و خون کشیده بودند.

برای همین مساله، لزوم پایگاه‌سازی و تشکیل مراکز تجمع نیروها و اجتماعات، موضوعی است که ائمه اطهار(ع) دوست داشتند تا شیعیان با هم باشند، گرد هم جمع شوند، مذاکره کنند و تبلیغات اجتماعی داشته باشند.

گزارش جام جم از حال و هوای صحن و حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در آستانه تولدش؛ تولد کسی که به سیدالکریم معروف است

این سید کریم



راه هست، هر وقت می‌خواهم به زیارت بیایم، اگر نوه‌ام هم خانه‌مان باشد با هم می‌آییم؛ زیارتی می‌کنیم، گشتی می‌زنیم و چیزی می‌خوریم و بعد به خانه می‌رویم. حالا دیگر عادت نوه‌ام شده که گاهی اوقات که حوصله‌اش سر می‌رود می‌گوید مامان جون بریم زیارت؟ خدا را شکر که هیچ وقت هم دست خالی از حرم سیدالکریم برنگشته‌ام. بعد هم دعایی با جان زیارت عبدالعظیم حسنی بیاییم؛ تازه همین هم از سرحال می‌آورد. از خاطره خوب این زیارت‌هایش که می‌پرسم می‌گوید: یک‌بار یکی از اقوامان خانه‌مان بود که اتفاقاً همین نوه‌ام، پیش نهاد زیارت را مطرح کرد و ما هم به حرفش گوش کردیم. وقتی با هم به حرم آمدم، آنها بهت عجیبی داشتند؛ می‌گفتند اصلا یادشان نیست آخرین باری که به اینجا آمده‌اند، کی بوده است. راستش را بخواهید آن زیارت خیلی به من چسبید؛ خیلی خوشحال بودم که من و نوه‌ام باعث و بانی به زیارت آمدن آنها شده‌ایم. از آن مهم‌تر این‌که حالا دیگر چند ماهی است که آنها دیگر در ایران زندگی نمی‌کنند و معلوم نیست دفعه بعدی که بتوانند به زیارت بیایند کی باشد. هنوز که به آن شب و آن زیارت فکر می‌کنم، احساس خیلی خوبی به من دست می‌دهد.

داستان يك نذر

دو آقای تقریباً همسن و سال را دیدیم که خیلی عجله‌ای برای رفتن نداشتند و چند دقیقه‌ای در یک حالت و رو به حرم و گنبد ایستاده بودند و با هم حرف می‌زدند. خودمان را که معرفی کردیم و از علت آمدنشان به زیارت پرسیدیم، فهمیدیم که دو دوست و البته شریک کاری همدیگر هستند؛ نذری داشتیم که اگر به خواسته‌مان برسیم، به زیارت حضرت عبدالعظیم برویم. خدا را شکر که اتفاقاً همان شد که می‌خواستیم و حالا سعی می‌کنیم که هر پنجشنبه به زیارت بیاییم. دوست دیگر اما از آخرین باری که به زیارت آمده است می‌گوید: آخرین باری که به حرم حضرت عبدالعظیم آمده بودم تقریباً یک سال و نیم یا دو سال پیش بود. همین هم باعث شد که اسم ادای نذر که آمد، فوری اینجا را پیشنهاد دادم که شاید به همین هوم مجبور بشویم بیاییم و برای این چند سال که نایمده بودم، عذرخواهی کنم. اصلاً می‌گویند که هرکس عبدالعظیم را در ری زیارت کند، مانند این است که حسین(ع) را در کربلا زیارت کرده است. ما کربلا رفته‌ها که طعمش را چشیده‌ایم، ولی نمی‌توانیم هر موقع که دلمان می‌خواهد و هوای کربلا می‌کنیم، به آنجا برویم، باید قدر حضرت عبدالعظیم را بدانیم. برای همین تا حالا موفق شده‌ایم که پنجشنبه‌ها که شب زیارتی امام حسین(ع) است، آخرهای شب راه بیفتیم به اینجا بیاییم و زیارتی کنیم و برگردیم.

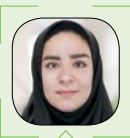
واقعاً احساس بسیار خوشایندی به آدم می‌دهد؛ انسان احساس می‌کند که در چنین جایی واقعاً خودش هم پاك می‌شود؛ انگار روحشان اینجا هست و پاکی وجودشان روی آدم تاثیر می‌گذارد. هر موقع دختر و دامادم می‌خواهند به زیارت بروند، خدا خیرشان بدهد که من را هم همراه خودشان می‌برند. ما سعی می‌کنیم که دیگر ماهی یک‌بار را به زیارت عبدالعظیم حسنی بیاییم؛ تازه همین هم از کوتاهی‌مان است.

یکی از بزرگان گفته‌اند که هرکس در تهران زندگی می‌کند، ظلم است اگر هفته‌ای یک‌بار به زیارت شاه عبدالعظیم نرود. دختر و دامادش هم از تجربه‌های خودشان می‌گویند: خیلی از مناسبت‌ها که نمی‌توانیم کربلا و نجف و مشهد باشیم، دلمان را با اینجا و حضرت عبدالعظیم آرام می‌کنیم؛ آنقدر که مثلاً در شب‌های قدر و وفات‌ها و مخصوصاً اعیاد، همه می‌دانند که می‌توانند ما را اینجا پیدا کنند.

تفریحات مادر بزرگ و نوه‌ای

از آن مادر بزرگ و نوه‌های توی فیلم‌ها بودند. همان‌ها که با همدیگر کیف دنیا را می‌کنند و هرچه یکی می‌گوید، آن یکی گوش می‌کند. وسط بگو بخند‌هایشان، چند دقیقه‌ای با مادر بزرگ هم‌کلام شدیم. به نظرمان ترکیب جالبی برای به زیارت آمدن بودند؛ نوه و مادر بزرگ، خانه‌ما تا اینجا تقریباً یک‌ربعی

ساعت کمی از ده شب گذشته است، هوا سوز دارد، ولی نه آن قدر که نشود در صحن قدم زد. صحن، چراغانی شده و حال و هوای شب میلاد را دارد، اما آرام و ساکت است؛ به دور از هیاهو. هر کسی راه خودش را می‌رود. یکی از آیفوری‌های صحن به نیت تبرک آب می‌خورد، یکی دیگر در جلوی در ورودی به دنبال کیسه برای کفش‌هایش می‌گردد. کمی این طرف‌تر اما آدم‌هایی در مقابل در خروج ایستاده‌اند و در حین رفتن، ناگهان مکث می‌کنند، می‌ایستند و دوباره رویشان را به سمت صریح و گنبد برمی‌گردانند و خم می‌شوند و عرض ارادت‌ی برای خدا حافظ می‌کنند و بعد بیرون می‌روند. در بین این همه سکوت و شب و چراغ و نور، هر چند دقیقه یک‌بار صدای خنده پیچ‌های هم می‌آید. صحن بزرگ حرم جان می‌دهد برای دیدن و بازی کردن که اتفاقاً پیچه‌ها همین کار را هم می‌کنند. اینجا آرامش حاکم است؛ آرامشی که به ما فرصت کافی می‌دهد با دقت آدم‌ها را انتخاب کنیم و برای یک گپ چند دقیقه‌ای به سراغشان برویم و از زیارت سیدالکریم در چنین شب‌هایی بپرسیم.



نگر س خانعلی زاده

جامعه

این زندگی مشترك

اولین کسانی که به سراغ‌شان می‌رویم دو زوج جوان هستند؛ حدود بیست و هفت هشت ساله به نظر می‌رسند. انتخاب خوبی هم داشتیم چون این‌طور که خودشان می‌گویند، هنوز یک سال از ازدواج‌شان نگذشته است اما از وقتی که ازدواج کرده‌اند، زیارت حضرت عبدالعظیم، تقریباً قرار هفتگی‌شان است. یکی از عروس خانم‌ها می‌گوید: بعد از عقد‌مان، اولین جایی که با همسرم آمدم، اینجا و زیارت حضرت عبدالعظیم بود. همان اولین بار باعث شد که بین خودمان قرار بگذاریم که هر هفته، سری به امامزاده طاهر و امامزاده حمزه و شاه عبدالعظیم بزنیم. تا حدود زیادی هم توانستیم سر عهدمان بمانیم و به جز هفته‌هایی که واقعاً کار احتمالاً مهمی داشته‌ایم، بقیه هفته‌ها بالاخره یک شب از هفته را به زیارت آمده‌ایم. حالا که تولدش است، فکر می‌کنم چه خوب که ما حضرت عبدالعظیم را داریم و می‌توانیم به این آسانی به زیارتش بیاییم. زوج دیگر هم دختر عمه عروس خانم است که حالا برای زیارت، همراه تقریباً همیشگی همدیگر شده‌اند و هرکسی تصمیم به زیارت دارد، دیگری را برای رفتن خبر می‌کند.

زیارت ما بچه دارها

یک خانواده چهار نفره بودند؛ مادری که کوله‌های کوچک بچه‌ها دستش بود و پدري که کمی از طرف‌تر، لب حوض ایستاده بود و منتظر بود تا بچه‌ها دست از حوض و آب‌بازی در این هوای سرد بکشند و به سمت خودروشان بروند. به نظر نمی‌آمد که بچه کوچک‌تر از دو سال داشته باشد؛ پسر بزرگ‌تر هم در نهایت پنج شش ساله بود. با مادرشان که حرف زدیم، حدس‌هایمان برای تخمین سن و سال بچه‌ها به یقین تبدیل شد: پسر کوچک‌کم که هنوز خیلی کوچک است و از دفعات قبلی که به اینجا آمده است چیزی یادش نمی‌آید اما پسر بزرگ خودش گاهی اوقات می‌گوید مامان شاه عبدالعظیم نمی‌رویم؟ خب ما همیشه تلاش کردیم تا کاری کنیم که بچه‌هایمان چنین جاهایی را دوست داشته باشند، مثلاً اصلاً



حق با شماست

info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۰۲۲۲۶۱۴۷

پیل - خطر

علیرزاده از تهران:

پل عابر پیاده بزرگراه علامه جعفری نرسیده به بلوار تعاون جنب مدرسه آزادگان، مسقف نیست و با بارش باران و برف باعث خیس شدن و سر خوردن عابران می‌شود.

بنزین- اعتراض

یک شهروند:

متأسفانه بعد از اغتشاشات و خرابکاری‌های عده‌ای از معترضین، مسؤولان محترم واکنشی به معترضان عادی که مخالف هرج و مرج نیز بودند نشان ندادند، چرا؟

نماینده- دولت

فراهانی از تهران:

نمایندگان مجلس به ظاهر نمایندگان مردم هستند ولی نماینده دولت هستند و هیچ حمایتی از مردم نمی‌کنند. نمونه عینی آن نیز موضوع گرانی بنزین و سکوت مجلسی‌ها را می‌شود نام برد.

اهواز- آب

شهروندی از خوزستان:

وضعیت آب شرب شهر اهواز اصلاً مناسب نیست و مجبوریم آب معدنی خریداری کنیم.

اهواز- نماینده

معمودی از خوزستان:

نمایندگان مجلس اهواز کمترین دلسوزی و اهمیت را به شهر و مردمان خود دارند و هیچ اقدامی بابت توسعه استان صورت نمی‌دهند.

کار- سوء پیشینه

رضایی از تهران:

متأسفانه بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و کارخانه‌ها به افرادی که سوء پیشینه قضایی دارند کار نمی‌دهند، این درحالی است که بسیاری از این افراد دیگر توبه کرده‌اند و نباید تا آخر عمر چوب یک اشتباه را بخورند.

بازنشسته- رزمنده

بازنشسته فرهنگی:

رزمندگان بازنشسته فرهنگی هیچ امتیاز و مزایایی ندارند درحالی‌که شاغلان رزمنده از امتیازات بسیار زیادی برخوردارند.

آزادگان- تصادف

نیگزاد از تهران:

آسفالت اتوبان آزادگان شمال پر از چاله و خرابی است و نیاز به مرمت و بازسازی دارد، خرابی این آسفالت باعث تغییر مسیر ناگهانی خودروها می‌شود و نتیجه آن تصادف است.